

concrete, high-strength—concrete that has a specified compressive strength for design of 6000 psi (41 MPa) or greater.

بتن پُر مقاومت (با مقاومت بالا) - بتن با مقاومت فشاری مشخص برای طراحی ۴۱ مگاپاسکال یا بیشتر به کار می‌رود.

concrete, high-performance—concrete meeting special combinations of performance and uniformity requirements that cannot always be achieved routinely using conventional constituents and normal mixing, placing, and curing practices.

بتن توانمند (بتن با عملکرد بالا) - بتنی که قادر است مجموعه الزامات عملکردی و یکنواختی را که معمولاً نمی‌توان به روال متعارف با استفاده از اجزای معمولی و روش‌های اختلاط بتن‌ریزی و عمل‌آوری معمولی بدست آورد پاسخگو باشد.

concrete, in-situ— بتن درجاریخته (رجوع به **concrete, cast-in-place**)

concrete, insulating—concrete having low thermal conductivity; used as thermal insulation. (See also **concrete, lightweight** and **concrete, low-density**.)

بتن عایق - بتن با ویژگی هدایت حرارتی کم؛ بعنوان عایق حرارتی استفاده میشود. (رجوع به **concrete, lightweight** and **concrete, low-density**.)

concrete, lean—concrete of low cementitious material content.

بتن کم سیمان (کم عیار) - بتن با مقدار کم مواد چسباننده.

concrete, lightweight—concrete of substantially lower density than that made using aggregates of normal density. (See also **concrete, insulating** and **concrete, low-density**.)

بتن سبک (بتن لاغر) - بتن خشک شده در گرمچال با چگالی بسیار کمتر از بتنی که با استفاده از سنگدانه‌هایی با چگالی معمولی ساخته شده باشد. (رجوع به **concrete, insulating** and **concrete, low-density**.)

concrete, low-density—concrete having an oven-dry density of less than 50 lb/ft³ (800 kg/m³). (See also **concrete, insulating** and **concrete, lightweight**.)

بتن کم چگال - بتن خشک شده در گرمچال با چگالی کمتر از ۸۰۰ kg/m³. (رجوع به **concrete, insulating** and **concrete, lightweight**.)

concrete, mass—any volume of concrete with dimensions large enough to require that measures be taken to cope with generation of heat from hydration of the cement and attendant volume change, to minimize cracking.

بتن حجیم - هر حجمی از بتن با ابعاد آنقدر بزرگ که نیاز به اقداماتی برای مقابله با تولید گرمای حاصل از هیدراته شدن سیمان و تغییر حجم آن داشته باشد تا ترک خوردگی به حداقل برسد.

concrete, monolithic—concrete cast with no joints other than construction joints.

بتن یکپارچه - بتنی که به غیر از درزهای اجرایی درز دیگری نداشته باشد.

concrete, nailable—concrete, usually made with a suitable low-density aggregate, with or without the addition of sawdust, into which nails can be driven.

بتن میخ خور - بتن، معمولاً با سنگدانه با چگالی کم مناسب که با یا بدون افزودن خاک اره ساخته می‌شود تا بتوان میخ‌ها را در آن فرو برد.

concrete, negative-slump—concrete of a consistency such that it not only has zero slump but still has zero slump after adding additional water. (See also **concrete, zero-slump** and **concrete, no-slump**.)

بتن با اسلامپ منفی - بتن با چنان روانی که نه تنها اسلامپ صفر دارد بلکه پس از افزودن آب اضافی نیز همچنان اسلامپ صفر داشته باشد. (رجوع به **concrete, zero-slump** and **concrete, no-slump**.)

concrete, no-fines—a concrete mixture containing little or no fine aggregate.

بتن بدون ریزدانه (بتن متخلخل) - مخلوط بتن حاوی مقدار کم سنگدانه‌های ریز یا بدون ریزدانه.

concrete, nonair-entrained—concrete in which neither an air-entraining admixture nor air-entraining cement has been used.

بتن بدون حباب هوای دمیده - بتنی که در آن از مواد افزودنی هوازا یا سیمان هوازا استفاده نشده است.

concrete, nonslip— **بتن بدون لغزش (غیرلغزنده)**

1. a floor, pavement, or walkway of concrete the surface of which has been roughened, before final set, either by sprinkling fine particles of abrasive material thereon and then troweling or by swirling with either a coarse-bristled brush or a trowel; or
۱. کف پیاده‌رو یا راهرو بتنی که سطح آن قبل از گیرش نهایی، با پاشیدن ذرات ریز مواد ساینده روی آن و سپس ماله کشی یا چرخاندن با برس درشت یا ماله، زبر شده است. و یا
2. a concrete surfaced roughened after final set by acidetching, mechanically abrading, or grooving.

۲. سطح بتنی که پس از گیرش نهایی، بوسیله اسید پاشی، سایش مکانیکی یا شیار زنی زیر میشود.

concrete, normalweight—concrete having a density of approximately 150 lb/ft³ (2400 kg/m³) made with normal-density aggregates.

بتن با وزن معمولی - بتن با چگالی تقریباً 2400 kg/m³ که با سنگدانه‌های با چگالی معمولی ساخته شده است.

concrete, normalweight refractory—refractory concrete having a bulk density greater than 100 lb/ft³ (1600 kg/m³).

بتن نسوز با وزن معمولی - بتن نسوز با چگالی انبوهی بیشتر از 1600 kg/m³.

concrete, no-slump—freshly mixed concrete exhibiting a slump of less than 1/4 in. (6 mm). (See also **concrete, zero-slump** and **concrete, negative-slump**.)

بتن بدون اسلامپ - بتن تازه مخلوط شده که اسلامپ کمتر از ۶ میلیمتر را نشان میدهد.

concrete, plain—structural concrete with no reinforcement or with less reinforcement than the minimum amount specified in ACI 318 for reinforced concrete; also used loosely to designate concrete containing no admixture and prepared with no special treatment.

بتن ساده (بتن غیر مسلح) - بتن سازه‌ای بدون آرماتور یا با آرماتور کمتر از حداقل مقدار مشخص شده در ACI 318 برای بتن مسلح. همچنین عموماً به بتن تهیه شده بدون مواد افزودنی و بدون فرآوری خاص نیز اطلاق می‌گردد.

concrete, polymer—concrete in which an organic polymer serves as the binder; also known as resin concrete; sometimes erroneously employed to designate hydraulic cement mortars or concretes in which part or all of the mixing water is replaced by an aqueous dispersion of a thermoplastic copolymer. (See also **concrete**.)

بتن پلیمری - بتنی که در آن پلیمر آلی بعنوان چسباننده عمل میکند. همچنین بعنوان بتن رزینی شناخته میشود؛ گاهی اوقات به اشتباه برای نامگذاری ملات‌ها یا بتن‌های سیمان هیدرولیکی که در آنها بخشی یا تمام آب اختلاط گوپلیمر گرمانرم مایع جایگزین شده استفاده میشود. (همچنین رجوع به **concrete**)

concrete, polymer-cement—a mixture of water, hydraulic cement, aggregate, and a monomer or polymer; polymerized in place when a monomer is used.

بتن پلیمر-سیمان - مخلوطی از آب، سیمان هیدرولیکی، سنگدانه و یک مونومر یا پلیمر؛ در صورت استفاده از مونومر، بسیار سازی میشود.

concrete, popcorn—no-fines concrete containing insufficient cement paste to fill voids among the coarse aggregate so that the particles are bound only at points of contact. (See also **concrete, no-fines**.)

بتن متخلخل - بتن بدون ریزدانه حاوی مقدار کافی خمیر سیمان برای پُرکردن فضاهاى خالی در بین سنگدانه‌های درشت بطوری که ذرات فقط در نقاط تماس به یکدیگر می‌چسبند. (رجوع به **concrete, no-fines**)

concrete, precast—concrete cast elsewhere than its final position.

بتن پیش ساخته - قطعه بتنی که در جایی غیر از موقعیت نهایی آن ساخته می‌شود.

concrete, prepacked— **concrete, preplaced-aggregate** (رجوع به **بتن از پیش بسته‌بندی شده**)

End P 18

concrete, preplaced-aggregate—concrete produced by placing coarse aggregate in a form and later injecting a portland cement-sand grout, usually with admixtures, to fill the voids.

بتن پیش آکنده - بتن تولید شده با قرار دادن سنگدانه‌های درشت در قالب و سپس تزریق روان ملات (سیمان پرتلند-ماسه) معمولاً با مواد افزودنی، برای پُرکردن فضاهاى خالی. **پایان ص ۱۸**

concrete (mortar, grout), preshrunk— **بتن از پیش منقبض شده (نیمه‌آماده)** (ملات، روان ملات) **پیش**

1. concrete that has been mixed for a short period in a stationary mixer before being transferred to a transit mixer, or

۱. بتنی که قبل از انتقال به مخلوط‌کن متحرک حمل بتن، برای مدت کوتاهی در مخلوط‌کن ثابت مخلوط شده باشد، یا

2. grout, mortar, or concrete that has been mixed one to three hours before placing to reduce shrinkage during hardening.

۲. روان ملات یا بتن که یک تا سه ساعت قبل از بتن‌ریزی مخلوط شده است تا جمع‌شدگی در جریان سخت شدن کاهش یابد.

concrete, prestressed—concrete in which internal stresses of such magnitude and distribution are introduced that the tensile stresses resulting from the service loads are counteracted to a desired degree; in reinforced concrete the prestress is commonly introduced by tensioning the tendons.

بتن پیش تنیده - بتنی که در آن تنش‌های داخلی با مقدار و توزیعی وارد می‌شود که تنش‌های کششی ناشی از بارهای بهره‌برداری تا حد مطلوبی خنثی می‌شوند. در بتن مسلح، پیش‌تنیدگی معمولاً با کشیدن تاندون‌ها ایجاد می‌شود.

concrete, pumped—concrete which is transported through hose or pipe by means of a pump.

بتن پمپ شده (پمپی) - بتنی که از طریق شیلنگ یا لوله با فشار پمپ انتقال می‌یابد.

concrete, ready-mixed—concrete manufactured for delivery to a purchaser in a fresh state.

(See also **concrete, central-mixed**; **concrete, shrink-mixed**; and **concrete, transit-mixed**.)

بتن آماده - بتن ساخته شده‌ای که در حالت تازه برای تحویل به خریدار تحویل می‌گردد. (رجوع به **concrete, (central-mixed; concrete, shrink-mixed; and concrete, transit-mixed**).

concrete, recycled—hardened concrete that has been processed for reuse, usually as aggregate.

بتن بازیافتی - بتن سخت شده که برای استفاده مجدد، معمولاً بعنوان سنگدانه، فرآوری شده است.

concrete, refractory—hardened hydraulic-cement concrete that has refractory properties and that is suitable for use at temperatures between 600 and 2400 F (315 to 1315 C).

بتن نسوز - بتن سخت شده با سیمان هیدرولیکی که خواص نسوز دارد و برای استفاده در دماهای بین ۳۱۵ تا ۱۳۱۵ C مناسب است.

concrete, refractory-insulating—refractory concrete having low thermal conductivity.

بتن عایق نسوز - بتن نسوز که رسانایی حرارتی پایینی دارد.

concrete, reinforced—structural concrete reinforced with no less than the minimum amount of prestressing tendons or nonprestressed reinforcement as specified by ACI 318.

بتن آرمه (مسلح) - بتن سازه‌ای تقویت شده که مقدار تاندون‌های پیش‌تنیده یا آرماتور غیر پیش‌تنیده، در آن از حداقل مقدار توصیه شده در ACI 318 مشخص شده است.

concrete, resin— (رجوع به **concrete, polymer** (preferred term) بتن رزینی

concrete, rich—concrete of high cement content. (See also **concrete, lean**.)

بتن پُرسیمان (بتن پُرعیار) - بتن با مقدار سیمان زیاد. (رجوع به **concrete, lean**)

concrete, roller-compacted—concrete compacted by roller compaction; concrete that, in its unhardened state, will support a roller while being compacted.

بتن غلتکی - بتن متراکم شده با غلتک؛ بتنی که در حالت سخت نشده، وزن غلتک را در حین تراکم تحمل می‌نماید.

concrete, rubble— بتن قلوه سنگی

1. concrete similar to cyclopean concrete except that small stones (such that one person can handle them) are used.

۱. بتن مشابه بتن لاشه سنگی با این تفاوت که از سنگ‌های کوچک (بگونه‌ای که یک نفر بتواند آنها را جابجا کند) استفاده میشود.

2. concrete made with rubble from demolished structures. (See also **concrete, cyclopean.**)

۲. بتن ساخته شده با قلوه سنگ از سازه‌های تخریب شده.

concrete, sand-lightweight—concrete made with a combination of expanded clay, shale, slag, or slate or sintered fly ash and natural sand; its density is generally between 105 and 120 lb/ft³ (1680 and 1920 kg/m³).

بتن سبک ماسه دار (نیمه سبکدانه) - بتن ساخته شده با ترکیبی از خاک رس انبساطی، شیل انبساطی و سرباره انبساطی، یا سنگ لوح انبساطی یا خاکستر بادی همجوش شده به همراه ماسه طبیعی؛ چگالی آن معمولاً بین 1680 و 1920 kg/m³ است.

concrete, sawdust—concrete in which the aggregate consists mainly of sawdust from wood.

بتن خاک اره‌ای - بتنی که در آن سنگدانه عمدتاً خاک اره چوب است.

concrete (mortar or grout), self-stressing—expansive cement concrete (mortar or grout) in which expansion, if restrained, induces persistent compressive stresses in the concrete (mortar or grout); also known as chemically prestressed concrete.

بتن (ملات یا روان ملات) خود تنیده - بتن با سیمان انبساطی (ملات یا روان ملات) که در آن، انبساط، در صورت مهار شدن، باعث ایجاد تنش‌های فشاری پایدار در بتن (ملات یا روان ملات) میشود. همچنین بعنوان بتن پیش تنیده شیمیایی شناخته میشود.

concrete, shielding—concrete, employed as a biological shield to attenuate or absorb nuclear radiation, usually characterized by high density or high hydrogen (water) content or boron content, having specific radiation attenuation effects. (See also **biological shielding.**)

بتن محافظ پرتو - بتن، بعنوان سپر بیولوژیکی برای تضعیف یا جذب پرتوهای هسته‌ای، که معمولاً با چگالی زیاد یا مقدار زیاد هیدروژن (آب) یا بُور مشخص می‌شود، که اثرات تضعیف پرتو خاصی را دارد. (رجوع به **biological shielding**).

concrete, shrink-mixed—ready-mixed concrete mixed partially in a stationary mixer and then mixed in a truck mixer. (See also **concrete, preshrunk**.)

بتن مخلوط شده دو مرحله‌ای - بتن آماده که تا حدی در مخلوط کن ثابت مخلوط شده و سپس در کامیون حمل مخلوط کن بتن مخلوط میشود.

concrete, shrinkage-compensating—concrete containing expansive components usually based on the formation of calcium sulfoaluminate (ettringite) in a mixture of calcium aluminate and gypsum. (See also **cement, expansive**.)

بتن جبران کننده جمع شدگی - بتن حاوی اجزای انبساطی ، معمولاً براساس تشکیل سولفوآلومینات کلسیم (اترینگایت) در مخلوطی از آلومینات کلسیم و سنگ گچ است. (رجوع شود به **(cement, expansive)**)

concrete, siliceous-aggregate—concrete made with normal-density aggregates having constituents composed mainly of silica or silicates.

بتن با سنگدانه سیلیسی - بتن ساخته شده با سنگدانه‌های با چگالی معمولی که مواد تشکیل دهنده آن عمدتاً از سیلیس یا سیلیکات است.

concrete, sprayed— بتن پاشیده (پاششی) (shotcrete (preferred term) (رجوع به

concrete, spun— بتن چرخیده (**concrete, centrifugally cast** (preferred term) (رجوع به

concrete, structural—concrete used to carry load.

بتن سازه‌ای - بتن مورد استفاده برای تحمل بار.

concrete, structural lightweight—structural concrete made with low-density aggregate; having an air-dry density of not more than 115 lb/ft³ (1850 kg/m³) and a 28-day compressive strength of more than 2500 psi (17.2 MPa).

بتن سبک سازه‌ای - بتن سازه‌ای ساخته شده با سنگدانه‌های کم چگالی؛ دارای چگالی در هوای خشک شده کمتر از 1850 kg/m³ و مقاومت فشاری ۲۸ روزه بیش از ۱۷ مگاپاسکال.

concrete, subaqueous— بتن زیر آب؛ بتن ترمی (**concrete, underwater** (رجوع به

concrete, terrazzo—marble-aggregate concrete that is cast-in-place or precast and ground smooth for decorative surfacing purposes on floors and walls.

بتن موزائیکی - بتن با سنگدانه مرمريت که درجا ريخته شده يا پيش ساخته است و سطح آن سائيده شده که مناسب برای اهداف تزئينی سطح کف و ديوارها میباشد.

concrete, transit-mixed—concrete, the mixing of which is wholly or principally accomplished in a truck mixer.

بتن مخلوط شده در حمل (بتن مخلوط شده کامیونی) - بتنی که اختلاط آن بطور کامل در کامیون مخلوط کن انجام می‌شود.

concrete, translucent—a combination of glass and concrete used together in precast and prestressed panels.

بتن نیم‌شفاف (بتن سو گذران) - مخلوطی از شیشه و بتن که با هم در پانل‌های پيش ساخته و پيش تنيده استفاده میشود.

concrete, truck-mixed— **بتن مخلوط شده در کامیون** (رجوع به **concrete, transit-mixed**)

concrete, underwater—concrete placed underwater by tremie or other means.

بتن ریزی زیر آب - بتنی که در زیر آب با لوله ترمی یا وسایل دیگر ريخته میشود.

concrete, unhardened— **بتن سخت نشده** (رجوع به **concrete, fresh** (preferred term))

unreinforced— **بتن غیر مسلح (بتن ساده)** (رجوع به **concrete, plain**)

concrete, vacuum—concrete from which excess water and entrapped air are extracted by a vacuum process before hardening occurs.

بتن مکیده - بتنی که آب اضافی و هوای محبوس شده آن قبل از سخت شدن، توسط فرایند مکش از آن بیرون کشیده می‌شود.

concrete, vermiculite—concrete in which the aggregate consists of exfoliated vermiculite.

End P 19

بتن ورمیکولیتی - بتنی که در آن سنگدانه از ورمیکولیت لایه لایه (متورق) تشکیل شده است. **پایان ص ۱۹**

concrete, vibrated—concrete consolidated by vibration during and after placing.

بتن لرزیده - بتن متراکم شده با ارتعاش در حین و پس از درجاریختن.

concrete, visual— **بتن نما دار (نمایان)** (رجوع به **concrete, exposed and concrete, architectural**)

concrete, zero-slump—concrete of stiff or extremely dry consistency showing no measurable slump after removal of the slump cone. (See also **slump; concrete, no-slump**; and **concrete, negative-slump**.)

بتن با اسلامپ صفر - بتن با روانی سفت یا بسیار خشک که پس از برداشتن مخروط، اسلامپ آن قابل اندازه گیری نباشد.
(رجوع به **slump; concrete, no-slump**; and **concrete, negative-slump**)

concrete block— بلوک بتنی (رجوع به **block, concrete**)

concrete breaker—a compressed-air tool specially designed and constructed to break up concrete.

بتن شکن - ابزاری با هوای فشرده که برای شکستن بتن طراحی و ساخته شده است.

concrete brick— آجر بتنی (رجوع به **brick, concrete**)

concrete cart— ارابه بتن؛ فرغون (رجوع به **buggy**)

concrete containment structure—a composite concrete and steel assembly that is designed as an integral part of a pressure retaining barrier, which in an emergency prevents the release of radioactive or hazardous effluents from nuclear power plant equipment enclosed therein.

سازه مخزن بتنی (سازه محافظ بتنی) - مجموعه مرکب بتنی و فولادی که به عنوان قسمتی از سیستم مهار کننده برای جلوگیری از انتشار پرتو مواد و تجهیزات هسته ای که در داخل آن قرار دارد.

concrete finishing machine—a machine mounted on flanged wheels that ride on the forms or on specially set tracks, used to finish surfaces such as those of pavements; or a portable power-driven machine for floating and finishing of floors and other slabs.

دستگاه پرداخت سطح بتن - ماشینی چرخدار که روی قالبها یا مسیرهای مخصوص حرکت می‌کند و برای پرداخت سطوحی مانند سطوح روسازی استفاده می‌شود؛ یا ماشین برقی قابل حمل برای مالہ کشی و پرداخت کفها و دالها بکار می‌رود.

concrete flatwork— ساخت دال یا کف بتنی (رجوع به **flatwork, concrete**)

concrete masonry unit— بلوک بنایی بتنی (رجوع به **masonry unit, concrete**)

concrete paver— ماشین روسازی بتن (رجوع به **paver, concrete**)

concrete pile— شمع بتنی (pile, cast-in-place and pile, precast
(رجوع به

concrete pump— پمپ بتن (pump, concrete
(رجوع به

concrete reactor vessel—a composite concrete and steel assembly that functions as a component of the principal pressure-containing barrier for the nuclear fuel's primary heat extraction fluid (primary coolant).

مخزن بتنی راکتور - مجموعه‌ای مرکب از بتن و فولاد که بعنوان جزئی از مخزن اصلی محافظ فشار برای خنک کردن اولیه سوخت هسته‌ای عمل می‌کند.

concrete spreader— بتن پخش کن (spreader, concrete (رجوع به

concrete strength— مقاومت بتن (strength, compressive; strength, fatigue; strength, flexural; strength, shear; strength, splitting tensile; strength, tensile; and strength, ultimate (رجوع به

concrete vibrating machine—a machine that consolidates a layer of freshly mixed concrete by vibration.

دستگاه لرزاندن (ارتعاش) بتن - دستگاهی که لایه‌ای از بتن تازه مخلوط شده را با لرزاندن متراکم می‌کند.

condensed silica fume— دوده سیلیسی متراکم (silica fume (رجوع به

conductance, thermal—time rate of heat flow through a unit area of body induced by a unit temperature difference between the body surfaces; the thermal conductance is the reciprocal of the thermal resistance.

هدایت حرارتی - روند زمانی جریان گرما از واحد سطح جسم ناشی از اختلاف دمای واحد بین سطوح جسم؛ رسانایی حرارتی عکس مقاومت حرارتی است.

conductivity, thermal—the property (of a homogeneous body) measured by the ratio of the steady-state heat flux (time-rate of heat flow per unit area) to the temperature.

قابلیت هدایت حرارتی - خاصیت (جسم همگن) که با نسبت شار حرارتی حالت پایدار (روند زمانی جریان گرما در واحد سطح) به دما اندازه‌گیری می‌شود.

cone—

مخروط

cone, flow—a device for measurement of grout consistency in which a predetermined volume of grout is permitted to escape through a precisely sized orifice, the time of efflux (flow factor) being used as the indication of consistency; also the mold used to prepare a specimen for the flow test.

مخروط روانی - وسیله‌ای برای اندازه‌گیری روانی روان ملات که در آن، حجم تعیین شده روان ملات می‌تواند از دهانه‌ای با اندازه دقیق خارج شود و زمان خروج (شاخص روانی) بعنوان نشانه روانی استفاده می‌شود؛ همچنین قالب مورد استفاده برای آماده سازی نمونه برای آزمایش روانی.

cone, pyrometric—a small, slender, three-sided oblique pyramid made of ceramic or refractory material for use in determining the time-temperature effect of heating and in obtaining the Pyrometric Cone Equivalent (PCE) of refractory material.

مخروط گرما سنج جوش - یک هرم مورب کوچک، باریک و سه وجهی ساخته شده از سرامیک یا مواد نسوز برای استفاده در تعیین اثر زمان-دمای گرمایش و در بدست آوردن معادل مخروط سنجش دمای جوش (PCE) مواد نسوز.

cone, slump—a mold in the form of the lateral surface of the frustum of a cone with a base diameter of 8 in. (203 mm), top diameter of 4 in. (102 mm), and height of 12 in. (305 mm), used to fabricate a specimen of freshly mixed concrete for the slump test; a cone 6 in. (152 mm) high is used for tests of freshly mixed mortar and stucco.

مخروط اسلامپ - قالبی به شکل مخروط ناقص با قطر قاعده ۲۰۳ میلیمتر، قطر فوقانی ۱۰۲ میلیمتر و ارتفاع ۳۰۵ میلیمتر، برای تهیه آزمون بتن تازه در آزمایش اسلامپ مخروط به ارتفاع ۱۵۲ میلیمتر برای آزمایش ملات تازه و آزمایش ملات تازه مخلوط شده و اندود استفاده می‌شود.

cone bolt—a type of tie rod for wall forms with cones at each end inside the forms so that a bolt can act as a spreader as well as a tie.

بولت مخروطی - نوعی میل مهار؛ مهار کششی برای قالب‌های دیوار با مخروط‌هایی در هر انتهای میله در داخل قالب‌ها بطوری که میله مهار می‌تواند بعنوان توزیع کننده فشار و همچنین قید عمل کند.

confined concrete—

بتن اصلاح شده

(concrete, confined رجوع)

به

confined region—region with transverse reinforcement within beam-column joints.

ناحیه محصور - ناحیه با آرماتور عرضی در نقاط اتصال تیر-ستون.

connection, scarf—a connection made by precasting, beveling, halving, or notching two pieces to fit together; after overlapping, the pieces are secured by bolts or other means.

اتصال نیم‌ونیم - اتصالی که با پیش ساختگی، بریده شدن، دو نیم کردن، یا شیار دادن دو قطعه برای قفل شدن به یکدیگر ایجاد میشود. پس از روی هم قرار گرفتن، قطعات توسط پیچ و مهره یا وسایل دیگر بهم متصل میشوند.

consistency—the relative mobility or ability of freshly mixed concrete or mortar to flow; the usual measurements are *slump* for concrete, *flow* for mortar or grout, and *penetration resistance* for neat cement paste.

قوام (ناروانی) - تحرک نسبی یا توانایی بتن تازه مخلوط شده یا ملات برای جریان یافتن. اندازه گیری های معمول عبارتند از اسلامپ برای بتن، جریان برای ملات یا روان ملات، و مقاومت در برابر نفوذ برای خمیر سیمان خالص.

consistency, flowable—the consistency at which a grout will form a nearly level surface when lightly rodded; the consistency of a grout with at least 125% at five drops on the ASTM C 230 flow table and an efflux time through the ASTM C 939 flow cone of more than 30s.

روانی جریان پذیر - میزان روانی که در آن، روان ملات، با میله زدن ملایم بر سطح تقریباً همواری را ایجاد می‌کند؛ میزان روانی روان ملات در پنج ضربه میز روانی حداقل ۱۲۵ درصد ASTM C 230 و مدت زمان خروج بیش از ۳۰ ثانیه در مخروط روانی ASTM C 939 می‌باشد.

consistency, fluid—the consistency at which a grout will form a nearly level surface without vibration or rodding; the consistency of a grout that has an efflux time of less than 30 s from the ASTM C 939 flow cone.

روانی سیال - روانی که در آن، روان ملات، بدون لرزش یا با میله کوبیدن سطح تقریباً هموار ایجاد می‌کند؛ در میزان روانی روان ملات که زمان خروجی کمتر از ۳۰ ثانیه در مخروط جریان ASTM C 939 دارد.

consistency, normal روانی متعارف (معمول)

1. the degree of wetness exhibited by a freshly mixed concrete, mortar, or neat cement grout when the workability of the mixture is considered acceptable for the purpose at hand; or

۱. میزان آب موجود در بتن تازه مخلوط شده، ملات، یا روان ملات، یا خمیر سیمان در شرایطی که کارایی مخلوط برای هدف مورد نظر قابل قبول در نظر گرفته شود. یا

2. the physical condition of neat cement paste as determined with the Vicat apparatus in accordance with a standard method test (for example, ASTM C 187).
2. حالت فیزیکی خمیر سیمان، همانطور که با دستگاه Vicat مطابق با آزمون روش استاندارد تعیین میشود (مثال، ASTM C 187).

consistency, plastic— روانی حالت خمیری

1. condition of freshly mixed cement paste, mortar, or concrete such that deformation when a stress is applied will be sustained continuously in any direction without rupture; or
۱. وضعیت خمیر سیمان، ملات یا بتن تازه مخلوط شده بگونه‌ای که تغییر شکل هنگام اعمال تنش بطور مداوم در هر جهت بدون گسیختگی روی دهد. یا
2. the consistency at which a grout will form a nearly level surface only when rodded or vibrated with a vibrator, the consistency of a grout with a flow between 100 to 125% at five drops on the ASTM C 230 flow table.
۲. روانی که در آن، روان ملات، سطح تقریباً تراز را فقط در صورت با میله کوبیدن یا لرزاندن با ویبراتور تشکیل میدهد؛ میزان روانی روان ملات با جریان بین ۱۰۰ تا ۱۲۵ درصد با پنج ضربه در میز جریان ASTM C 230.

consistency, wettest stable—the condition of maximum water content at which cement grout and mortar will adhere to a vertical surface without sloughing.

مرطوب‌ترین روانی پایدار - شرایط حداکثر مقدار آب که در آن روان ملات و ملات به سطح قائم بدون شُرّه کردن می‌چسبند.

consistency factor—a measure of grout fluidity, roughly analogous to viscosity, which describes the ease with which grout may be pumped into voids or fissures; usually a laboratory measurement in which consistency is reported in degrees of rotation of a torque viscosimeter in a specimen of grout. **End P 20**

ضریب روانی - معیاری از سیالیت روان ملات، تقریباً مشابه گران روی، که سهولت پمپاژ روان ملات به داخل حفرات یا شکاف ها را توصیف می‌کند؛ معمولاً یک اندازه گیری آزمایشگاهی است که در آن روانی بر حسب درجه چرخش در (لزجت سنج) با گشتاور پیچشی در یک نمونه روان ملات گزارش می‌شود. **پایان ص ۲۰**

consistometer—an apparatus for measuring the consistency of cement pastes, mortars, grouts, or concretes.

روانی سنج - دستگاهی برای اندازه گیری روانی خمیر سیمان، ملات، روان ملات یا بتن.

consolidation—the process of inducing a closer arrangement of the solid particles in freshly mixed concrete or mortar during placement by the reduction of voids, usually by vibration, centrifugation, rodding, tamping, or some combination of these actions; also applicable to similar manipulation of other cementitious mixtures, soils, aggregates, or the like. (See also **rodding** and **tamping**.)

تراکم - فرایند آرایش نزدیکتر ذرات جامد در بتن تازه مخلوط شده یا ملات در حین درجا ریختن با کاهش فضاهای خالی، معمولاً با لرزاندن، گریز از مرکز، میله زدن، ضربه زدن، یا ترکیبی از این اعمال؛ همچنین در مورد مخلوط های سیمانی، خاک ها، سنگدانه ها یا موارد مشابه این روش ها قابل استفاده است.

construction— **ساخت و ساز (عملیات ساخت)**

construction, alternate-lane—a method of constructing soil-supported concrete roads, runways, building floors, or other paved areas, in which alternate lanes are placed and allowed to harden before the remaining intermediate lanes are placed.

بتن ریزی کف در نوارهای یک در میان - روشی برای ساخت جاده های بتنی متکی بر خاک، باند فرودگاه، کف ساختمان، یا سایر مناطق سنگفرش شده، که در آن نوارهای یک در میان بتن ریزی می شوند و اجازه می دهند قبل از بتن ریزی خطوط باندهای میانی باقی مانده، سخت شوند.

construction, cellular—a method of constructing concrete elements in which part of the interior concrete is replaced by voids.

ساخت سلولی - روشی برای ساخت عناصر بتنی که در آن قسمتی از بتن داخلی با قالب بندی خاص از بتن خالی می ماند.

construction, composite—a type of construction using members produced by combining different materials (for example, concrete and structural steel); members produced by combining cast-in-place and precast concrete, or cast-in-place concrete elements constructed in separate placements but so interconnected that the combined components act together as a single member and respond to loads as a unit.

ساخت و ساز مرکب - نوعی ساخت و ساز با استفاده از اعضای تولید شده از ترکیب مواد مختلف (به عنوان مثال، بتن و فولاد سازه ای)؛ اعضای که از ترکیب بتن ریخته شده در محل و بتن پیش ساخته تولید می شوند، یا عناصر بتنی ریخته شده در محل که در مکان های جداگانه ساخته می شوند، اما به گونه ای به هم پیوسته هستند که اجزای ترکیبی با هم به عنوان یک عضو عمل می کنند و به عنوان یک واحد تحمل بار می نمایند.

construction, shell—construction using thin curved slabs.

ساختمان پوسته‌ای - ساختمان با استفاده از دال‌های نازک دارای انحنا.

construction, structural sandwich—a laminar construction comprising a combination of alternating dissimilar simple or composite materials assembled and intimately fixed in relation to each other so as to use the properties of each to attain specific structural and thermal advantages for the whole assembly.

ساخت ساندویچی - سازه پوسته‌ای شامل ترکیبی از مواد ساده یا کامپوزیت در لایه‌های متناوب قرار گرفته شده و به طور کامل در رابطه با یکدیگر متصل شده‌اند تا از خواص هر یک از لایه‌ها برای دستیابی به مزایای سازه‌ای و حرارتی خاص کل مجموعه استفاده شود.

construction joint— (درز ساخت (درز اجرایی) (رجوع شود به **joint, construction**)

construction loads—the loads to which a permanent or temporary structure is subjected during construction.

بارهای حین ساخت - بارهایی که یک سازه دائمی یا موقت در طول ساخت در معرض آنها قرار می‌گیرد.

contact ceiling—a ceiling that is secured in direct contact with the construction above without use of furring.

سقف تماسی - سقفی که در تماس مستقیم با سازه فوقانی بدون استفاده از تخته کوبی دوپوسته محکم می‌شود.

contact pressure—pressure acting at and perpendicular to the contact area between soil and a concrete element.

فشار تماسی - فشاری که در ناحیه تماس بین خاک و عضو بتنی و عمود بر آن عمل می‌کند.

contact splice— (رجوع به **splice, contact**) وصله (پوششی) تماسی

containment grouting— (رجوع **grouting, perimeter**) روان ملات ریزی پیرامونی

به

continuous beam— (continuous slab or

beam (رجوع به

continuous footing— پی سراسری (footing, continuous (رجوع به

continuous grading— دانه‌بندی پیوسته (grading, continuous (رجوع به

continuous mixer— مخلوط کن پیوسته

continuous sampling— نمونه‌گیری پیوسته (sampling, continuous (رجوع به

continuous slab or beam—a slab or beam that extends as a unit over three or more supports in a given direction.

دال یا تیر سراسری - دال یا تیری که بصورت واحد بر روی سه یا چند تکیه گاه در یک جهت معین امتداد می یابد.

continuously reinforced pavement—a pavement with uninterrupted longitudinal steel reinforcement and no intermediate transverse expansion or contraction joints.

روسازی مسلح پیوسته - روسازی با آرماتورهای فولادی طولی یکسره و بدون درزهای عرضی انبساطی یا درزهای انقباضی.

contract documents— اسناد قرارداد (documents, contract (رجوع به

contraction—decrease in either length or volume.

انقباض - کاهش در طول یا حجم. (رجوع به expansion; shrinkage; swelling; volume change; and (volume

contraction, thermal— انقباض حرارتی (thermal contraction (رجوع به

contraction joint— درز انقباض (joint, contraction (رجوع به

contraction-joint grouting— روان ملات ریزی در درز انقباض (grouting, contraction joint (رجوع به

contractor—the person, firm, or corporation with whom the owner enters into an agreement for construction of the work.

پیمانکار- شخص، شرکت یا مجموعه‌ای که مالک با آن قراردادی را برای ساخت کار مورد توافق منعقد می‌کند.

control factor—the ratio of the minimum compressive strength to the average compressive strength.

ضریب کنترل—نسبت حداقل مقاومت فشاری به مقاومت فشاری میانگین.

control joint— (joint, contraction (preferred term) درز کنترل (رجوع به term)

control-joint grouting— (contraction-joint grouting (رجوع به روان ملات ریزی در درز کنترل به

controlled low-strength cementitious material (CLSM)—material that is intended to result in a compressive strength of 8.3 MPa or less.

مواد چسباننده کم مقاومت کنترل شده — موادی که در نظر است تا مقاومت فشاری (8.3 MPa) یا کمتر را ایجاد کند.

conventional design—design procedure using moments or stresses determined by widely accepted methods.

طراحی متعارف - روش طراحی با استفاده از گشتاورها یا تنش‌های بدست آمده با روش‌های عمدتاً پذیرفته متداول.

conveyor—a device for moving materials; usually a continuous belt, an articulated system of buckets, a confined screw, or a pipe through which material is moved by air or water.

انتقال دهنده (نوار نقاله) — وسیله‌ای برای جا به جایی مواد؛ معمولاً تسمه یکسره، سیستم جام دار، پیچ حلزونی محصور، یا لوله‌ای که مواد از میان آن توسط هوا یا آب جابجا میشوند.

coping—the material or units used to form a cap or finish on top of a wall, pier, pilaster, or chimney.

قرنیز سر دیوار (درپوش) — مواد یا قطعات مورد استفاده برای تشکیل کلاهک یا پوشش در بالای دیوار، ستون، یا دودکش.

coquina—a type of limestone formed of sea shells in loose or weakly cemented condition, found along present or former shorelines; used as a calcareous raw material in cement manufacture and other industrial operations.

سنگ آهک صدفی (مرجانی) - نوعی سنگ آهک متشکل از صدف‌های دریایی، در شرایط سست و یا ضعیف چسبیده شده که در امتداد خطوط ساحلی فعلی یا خطوط ساحلی سابق یافت میشود؛ بعنوان مواد خام آهکی در تولید سیمان و دیگر عملیات صنعتی استفاده میشود.

corbel—a projection from the face of a beam, girder, column, or wall used as a beam seat or a decoration.

کُرِبِل (دستک) — برآمدگی از وجه تیر، شامتیر، ستون، و یا دیوار بعنوان تکیه گاه تیر یا تزئینی استفاده می‌شود.

core (n.)— **مغزه**

1. the soil material enclosed within a tubular pile after driving (it may be replaced with concrete);

۱. مواد خاکی که پس از کوبیدن در خاک در داخل شمع لوله‌ای محصور شده است (ممکن است با بتن جایگزین شده باشد)؛

2. the mandrel used for driving casings for cast-in-place piles;

۲. سنبه مورد استفاده برای کوبیدن غلاف لوله‌ای شمع‌های درجا ریخته؛

3. a structural shape used to internally reinforce a drilled-in-caisson;

۳. شکل سازه‌ای که برای تقویت داخلی صندوق حفاری شده استفاده میشود

4. a cylindrical sample of hardened concrete or rock obtained by means of a core drill;

۴. نمونه استوانه‌ای از بتن سخت شده یا سنگ که با استفاده از مته مغزه‌برداری بدست می‌آید

5. the molded open space in a concrete masonry unit or precast concrete unit (see also **blockout**); or

۵. فضای باز قالب‌گیری شده در یک واحد بتن بنائی یا واحد بتنی پیش ساخته. یا

6. the area enclosed by ties or spiral reinforcement in a concrete column.

۶. منطقه محصور شده توسط قید یا خاموت مارپیچ در ستون بتنی.

core (v.)—the act of obtaining cores from concrete structures, rock foundations, or soils.

مغزه گیری - عمل بدست آوردن مغزه از سازه‌های بتنی، پی سنگ یا خاک.

core test—compression test on a concrete sample cut from hardened concrete by means of a core drill. **EP21**

آزمایش مغزه - آزمایش فشاری روی نمونه بتن برش خورده از بتن سخت شده با استفاده از مته مغزه‌گیری. **آخر ص ۲۱**

End P 21

cored beam—a beam whose cross section is partially hollow or a beam from which cored samples of concrete have been taken.

تیر توخالی - تیری که سطح مقطع آن تا حدی توخالی است یا تیری که از آن نمونه‌های مغزگیری بتن گرفته شده است.

coring—the act of obtaining cores from hardened concrete or masonry structures, rock, or soil.

مغزه گیری - عمل بدست آوردن مغزه از بتن سخت شده یا سازه‌های بنایی، سنگ یا خاک.

corner reinforcement— (reinforcement, corner) آرماتور گوشه (کنج)
(رجوع به

corrosion—destruction of metal by a chemical, electrochemical, or electrolytic reaction within its environment.

خوردگی - تخریب فلز توسط واکنش شیمیایی، الکتروشیمیایی یا الکترولیتی در محیط واکنش.

corrosion, bacterial—destruction of a material by bacterial processes brought about by the activity of certain bacteria that consume the material and produce substances, such as hydrogen sulfide, ammonia, and sulfuric acid.

خوردگی باکتریایی - تخریب ماده توسط فرایندهای باکتریایی ناشی از فعالیت باکتری‌های خاصی که مواد را مصرف می‌کنند و موادی مانند سولفید هیدروژن، آمونیاک و اسید سولفوریک تولید می‌کنند.

corrosion inhibitor—a chemical compound, either liquid or powder, usually intermixed in concrete and sometimes applied to concrete, and that effectively decreases corrosion of steel reinforcement.

باز دارنده خوردگی - ترکیب شیمیایی، اعم از مایع یا پودر، که معمولاً در بتن مخلوط میشود و گاهی اوقات روی بتن اعمال میشود و بطور موثر خوردگی آرماتورهای فولادی را کاهش میدهد.

cotton mats— حصیر پنبه‌ای (mats, cotton) (رجوع به

coupler— متصل کننده (کوپلر)

1. a device for connecting reinforcing bars or pre-stressing tendons end to end;

۱. وسیله‌ای برای اتصال میلگردها یا تاندون‌های پیش تنیدگی سر به سر.

2. a device for locking together the component parts of a tubular metal scaffold (also known as a clamp); or

۲. وسیله‌ای برای بستن اجزای تشکیل دهنده داربست فلزی لوله‌ای (که به عنوان گیره نیز شناخته میشود). یا

3. internal threaded device for joining reinforcing bars with matching threaded ends for the purpose of providing transfer of either axial compression or axial tension or both from one bar to the other. (See also **coupling sleeve, end-bearing sleeve, mechanical connection.**)

۳. وسیله رزوه دار داخلی برای اتصال آرماتور با انتهای رزوه‌ای همخوان، بمنظور انتقال فشار محوری یا کشش محوری یا هر دو از میله‌ای به میله دیگر. (رجوع به **coupling sleeve, end-bearing sleeve, mechanical connection**)

4. **coupling agent**—a substance used between the transducer and test surface to permit or improve transmission of ultrasonic energy.

۴. **عامل پیوند** - ماده‌ای که بین مبدل و سطح آزمایش برای بهبود انتقال انرژی فرا صوتی استفاده میشود.

coupling pin—an insert device used to connect lifts or tiers or formwork scaffolding vertically.

پین (سنجاق) اتصال - وسیله‌ای برای قفل کردن غلاف‌هایی که لوله‌های تشکیل دهنده طبقات داربست را به صورت افقی-افقی، عمودی-عمودی و افقی-عمودی به یکدیگر متصل می‌نمایند.

coupling sleeve—device fitting over the ends of two reinforcing bars for the eventual purpose of providing transfer of either axial compression or axial tension or both from one bar to the other. (See also **coupler, end-bearing sleeve, mechanical connection.**)

غلاف اتصال دهنده - وسیله‌ای که روی انتهای دو میلگرد قرار میگیرد (بست دو میله فلزی) با هدف نهایی انتقال فشار محوری یا کشش محوری یا هر دو از یک میله به میله دیگر. (رجوع به **coupler, end-bearing sleeve, mechanical connection**)

course—in concrete construction, a horizontal layer of concrete, usually one of several making up a lift; in masonry construction, a horizontal layer of block or brick. (See also **lift.**)

لایه (رج)؛ (نوبت بتن ریزی افقی) - در ساخت و ساز بتنی، لایه (رج) افقی از بتن، معمولاً یکی از چندین لایه تشکیل دهنده قطعه؛ در ساخت و ساز بنایی، لایه (نوبت بتن ریزی) افقی از بلوک یا آجر. (رجوع شود به **lift**)

cover—in reinforced concrete, the least distance between the surface of embedded reinforcement and the outer surface of the concrete.

پوشش - در بتن آرمه، کمترین فاصله بین سطح آرماتور زیر سطح بتن تا سطح خارجی بتن (ضخامت پوشش).

cover block— **لقمه (فاصله نگهدار)** (**spacer and spreader** (preferred terms))
(رجوع به

crack—a complete or incomplete separation, of either concrete or masonry, into two or more parts produced by breaking or fracturing. (See also **fracture**.)

ترک - جدائی کامل یا ناقص بتن یا مصالح بتّایی به صورت دو یا چند بخش که در اثر شکستن یا خرد شدن ایجاد میشود.
(رجوع به **fracture**)

crack, diagonal—in a flexural member, an inclined crack caused by shear stress, usually at approximately 45 degrees to the axis; or a crack in a slab, not parallel to either the lateral or longitudinal directions.

ترک مورب (قطری) - ترک شیبدار ناشی از تنش برشی در عضو خمشی، معمولاً در حدود ۴۵ درجه نسبت به محور؛ یا ترکی در دال که به موازات جهات جانبی یا طولی نباشد.

crack, longitudinal—a crack that develops parallel to the length of a member.

ترک طولی - ترکی که به موازات طول یک عضو ایجاد میشود.

crack, shrinkage—crack due to restraint of shrinkage.

ترک جمع شدگی - ترک ناشی از قید در جمع شدگی.

crack-control reinforcement— آرماتور کنترل ترک (**reinforcement, crack-control**)
(رجوع به

cracked section—a section designed or analyzed on the assumption that concrete has no resistance to tensile stress.

مقطع ترک خورده - مقطعی با فرض طراحی یا تحلیلی که بتن در برابر تنش کششی مقاومتی ندارد.

cracking— ترک خوردگی

cracking, diagonal—development of diagonal cracks.

ترک خوردگی مورب - توسعه ترک‌های مورب. (رجوع به **tension, diagonal**)

cracking, map— ترک نقشه جغرافیایی

1. intersecting cracks that extend below the surface of hardened concrete; caused by shrinkage of the drying surface concrete that is restrained by concrete at greater depths

where either little or no shrinkage occurs; vary in width from fine and barely visible to open and well-defined; or

۱. ترک‌های متقاطع که زیر سطح بتن سخت شده گسترش می‌یابد؛ ناشی از جمع شدگی سطح در حال خشک شدن با بتن لایه‌های زیرین که در آنها جمع شدگی کم وجود دارد یا بدون جمع شدگی میباشند مهار می‌شود؛ عرض ترک متفاوت است، از ریز و به سختی قابل مشاهده تا باز و به خوبی مشخص شده می‌باشد. یا

2. the chief symptom of a chemical reaction between alkalies in cement and mineral constituents in aggregate within hardened concrete; due to differential rate of volume change in different portions of the concrete; cracking is usually random and on a fairly large scale, and in severe instances the cracks may reach a width of 12.7 mm. (See also **checking** and **crazing**; also known as pattern cracking.)

۲. نشانه اصلی واکنش شیمیایی بین قلیایی‌های سیمان و ترکیبات معدنی در سنگدانه‌های داخل بتن سخت شده؛ بدلیل تفاوت نرخ تغییر حجم در بخش‌های مختلف بتن. ترک خوردن معمولاً به صورت پراکنده و در مقیاس نسبتاً بزرگ است و در موارد شدید ممکن است عرض ترک‌ها به ۱۲٫۷ میلیمتر برسد.

cracking, pattern— **الگوی ترک‌خوردگی** (رجوع به **cracks and cracking, map**)

cracking, plastic—cracking that occurs in the surface of fresh concrete soon after it is placed and while it is still plastic.

ترک خوردگی خمیری - ترک خوردگی که در سطح بتن تازه بلافاصله پس از بتن‌ریزی و در حالی که هنوز خمیری است رخ میدهد.

cracking, shrinkage—cracking of a structure or member due to failure in tension caused by external or internal restraints as reduction in moisture content develops, carbonation occurs, or both.

ترک خوردگی جمع شدگی - ترک خوردن یک سازه یا عضو بدلیل شکست در کشش ناشی از قیدهای خارجی یا داخلی همزمان با کاهش رطوبت، کربناته شدن یا هر دو رخ میدهد.

cracking, stress-corrosion—a cracking process that requires the simultaneous action of a corrodent and sustained tensile stress. (This excludes corrosion-reduced sections that fail by fast fracture; also excludes inter-crystalline or trans-crystalline corrosion that can disintegrate an alloy without either applied or residual stress).

ترک خوردن ناشی از تنش-خوردگی - فرایند ترک خوردگی که نیازمند کنش همزمان یک تنش خوردگی و کششی پایدار باشد. (این فرایند، مقاطع کاهش یافته در اثر خوردگی که سریعاً گسیخته میشوند را شامل نمی‌شود)؛ همچنین شکل خوردگی بین بلوری یا فرا بلوری را که می‌تواند یک آلیاژ را بدون اعمال یا پسماند تنش تجزیه کند، نمی‌شود).

cracking, temperature—cracking due to tensile failure, caused by a temperature drop in members subjected to external restraints or by a temperature differential in members subjected to internal restraints.

دمای ترک خوردگی - ترک ناشی از گسیختگی کششی، در اثر افت دما در اعضائی که در معرض قیدهای خارجی قرار دارند و یا بدلیل اختلاف دما در اعضائی که تحت قیدهای داخلی قرار می‌گیرند.

cracking load— (رجوع به **load, cracking**) بار ترک‌خوردگی

cracks—ترک‌ها

cracks, craze—fine random cracks or fissures in a surface of plaster, cement paste, mortar, or concrete.

ریز ترک (تار عنکبوتی) — ترک‌ها یا شکاف‌های ریز پراکنده در سطح اندود، خمیر سیمان، ملات یا بتن.

cracks, D-line— (رجوع به **(D-cracks)** (preferred term.)) ترک‌های گوشه دال (دی انگلیسی) شود به

cracks, hairline—cracks in an exposed concrete surface having widths so small as to be barely perceptible.

ترک‌های مویی - ترک‌هایی در سطح بتنی در معرض قرار گرفته که عرض آنها آنقدر کوچک است که به سختی قابل تشخیص باشد.

cracks, pattern— (رجوع به **(cracks and cracking, map)**) الگوی ترک‌ها

cracks, plastic shrinkage— (رجوع به **(cracking, plastic)**) ترک‌های جمع شدگی خمیری **End P 22**
پایان ص ۲۲

cracks, transverse—cracks that develop across the long dimension of the member.

ترک‌های عرضی - ترک‌هایی که در امتداد خیلی بلند عضو توسعه می‌یابند.

craze cracks— (رجوع به **(cracks, craze)**) ترک‌های تار عنکبوتی (پوست ماری)

crazing—the development of craze cracks; the pattern of craze cracks existing in a surface. (See also **checking** and **cracks**.)

پوست ماری - توسعه ترک‌های پوست ماری؛ الگوی ترک‌های پوست ماری همه‌جانبه موجود در سطح.

creep—time-dependent deformation due to sustained load. (See also **deformation, inelastic**.)

خزش - تغییر شکل وابسته به زمان بدلیل بار پایدار. (رجوع به **deformation, inelastic**)

creep, basic—creep that occurs without migration of moisture to or from the concrete. (See also **creep**; and **creep, drying**.)

خزش پایه - خزشی که بدون انتقال رطوبت به بتن یا از بتن رخ می‌دهد. (رجوع به **creep**; and **creep, drying**)

creep, drying—creep caused by drying. (See **creep**; and **creep, basic**.)

خزش خشک شدگی - خزش ناشی از خشک شدن. (رجوع به **creep**; and **creep, basic**)

creep, non-recoverable—the residual or nonreversible deformation remaining in hardened concrete after removal of sustained load.

خزش جبران ناپذیر - تغییر شکل باقیمانده یا برگشت ناپذیر در بتن سخت شده پس از برداشتن بار پایدار.

crimped wire— (رجوع به **wire, crimped**) سیم چین خورده

critical saturation— (رجوع به **saturation, critical**) اشباع بحرانی

cross bracing—crossing members usually designed to act only in tension, often used in scaffolding systems.

بادبندی متقاطع (ضربدری) - اعضای متقاطع معمولاً برای عمل فقط در کشش طراحی میشوند که اغلب در سیستم‌های داربست استفاده میشود. (رجوع به **sway brace** and **X-brace**)

cross joint— (رجوع به **joint, cross**) درز متقاطع

cross section—a plane through a body perpendicular to a given axis of the body; a drawing showing such a plane.

سطح مقطع - صفحه‌ای که از جسمی عمود بر محور معینی از جسم عبور میکند؛ نقشه‌ای که چنین سطحی را نشان میدهد

cross-tee—a light-gage metal member resembling an upside-down “tee” used to support the abutting ends of form boards in insulating concrete roof constructions.

سهرای متقاطع (سه پری) - یک عضو فلزی بشکل تی فلزی وارونه که برای نگاهداری از دو انتهای مجاور تخته‌های قالب در عایق‌بندی سازه‌های سقف بتنی استفاده میشود.

crush plate—an expendable strip of wood attached to the edge of a form or intersection of fitted forms, to protect the form from damage during prying, pulling, or other stripping operations. (See also **strip, wrecking**.)

صفحه محافظ - نوار چوبی قابل انبساط که به لبه قالب یا تقاطع قالب‌های نصب شده متصل می‌شود تا از قالب در برابر آسیب در حین اهرم کردن، کشیدن یا سایر عملیات جداسازی محافظت کند. (رجوع به **strip, wrecking**)

crushed gravel— **شن خرد شده** (gravel, crushed)
(رجوع به)

crushed stone— **سنگ خرد شده** (stone, crushed)
(رجوع به)

crusher— **سنگ شکن**

crusher, primary—a heavy crusher suitable for the first stage in a process of size reduction of rock, slag, or the like.

سنگ شکن اولیه - سنگ شکن بزرگ مناسب برای مرحله اول فرایند کاهش اندازه سنگ، سرباره یا موارد مشابه.

crusher, secondary—a crusher used for the second stage in a process of size reduction of aggregate and the like. (See also **crusher, primary**.)

سنگ شکن ثانویه - سنگ شکنی که برای مرحله دوم فرایند کاهش اندازه سنگدانه‌ها و موارد مشابه استفاده میشود.
(رجوع به **crusher, primary**)

crusher-run aggregate— **سنگدانه زیر سنگ شکن** (aggregate, crusher-run)
(رجوع به)

C/S—the molar or mass ratio, whichever is specified, of calcium oxide (CaO) to silicon dioxide (SiO₂), usually of binder materials cured in an autoclave.

نسبت اکسید کلسیم به سیلیس - نسبت مولی یا جرمی، هر کدام که مشخص شود، اکسید کلسیم (CaO) به سیلیس (SiO₂)، معمولاً از مواد چسبنده که در اتوکلاو عمل‌آوری میشوند.

cube strength— **مقاومت مکعبی** (strength, cube strength, cube)
(رجوع به)

cubical piece (of aggregate)—one in which length, breadth, and thickness are approximately equal.

قطعه مکعبی (سنگدانه) - قطعه‌ای که در آن طول، عرض و ضخامت تقریباً برابر است.

cumulative batching— **پیمانه کردن تجمعی** (batching, cumulative رجوع)

به

curb form—a retainer or mold used in conjunction with a curb tool to give the necessary shape and finish to a concrete curb.

قالب جدول بتنی - نگهدارنده یا قالبی که همراه با ابزار حاشیه استفاده میشود تا شکل و پرداخت لازم را به حاشیه بتنی بدهد.

curb tool—a tool used to give the desired finish and shape to the exposed surfaces of a concrete curb.

ابزار جدول بتنی - ابزاری برای پرداخت و دادن شکل دلخواه به سطوح بتنی در حاشیه در معرض دید استفاده می‌شود.

curing—action taken to maintain moisture and temperature conditions in a freshly placed cementitious mixture to allow hydraulic cement hydration and (if applicable) pozzolanic reactions to occur so that the potential properties of the mixture may develop. (See ACI 308.)

عمل‌آوری - اقدامی برای حفظ رطوبت و شرایط دما در مخلوط سیمانی تازه ریخته شده، تا هیدراته شدن سیمان هیدرولیکی و (در صورت وجود) واکنش‌های پوزولانی رخ دهد تا خواص بالقوه مخلوط بدست آید. (رجوع شود به ACI 308)

curing, adiabatic—the maintenance of adiabatic conditions in concrete or mortar during the curing period.

عمل‌آوری بی‌دررو - حفظ شرایط آدیاباتیک در بتن یا ملات در طول دوره عمل‌آوری.

curing, atmospheric-pressure steam—steam curing of concrete products or cement at atmospheric pressure, usually at maximum ambient temperature between 40 to 95 C.

عمل‌آوری با بخار در فشار اتمسفر - عمل‌آوری با بخار محصولات بتنی یا سیمان در فشار جو، معمولاً در حداکثر دمای محیط بین ۴۰ تا ۹۵ درجه سانتیگراد.

curing, autoclave—curing of concrete products in an autoclave at maximum ambient temperature generally between 170 to 215 C.

عمل آوری در اتوکلاو - عمل آوری محصولات بتنی در اتوکلاو در حداکثر دمای محیط معمولاً بین ۱۷۰ تا ۲۱۵ درجه سانتیگراد.

curing, electrical—a system in which a favorable temperature is maintained in freshly placed concrete by supplying heat generated by electrical resistance.

عمل آوری الکتریکی - سیستمی که در آن دمای مطلوب در بتن تازه ریخته، با تامین گرمای تولید شده توسط مقاومت الکتریکی حفظ میشود.

curing, fog— عمل آوری در مه

1. storage of concrete in a moist room in which the desired high humidity is achieved by the atomization of water (see also **moist room**); and

۱. نگهداری بتن در اتاق مرطوب که در آن رطوبت زیاد مطلوب با پودر آب بدست می آید. (رجوع به **moist room**). و

2. application of atomized water to concrete, stucco, mortar, or plaster.

۲. کاربرد پودر آب روی بتن، اندود اندودسیمان، ملات یا اندود.

3. **curing, high-pressure steam**— عمل آوری با بخار پُر فشار **curing, autoclave**
(رجوع به (preferred term)

curing, low-pressure steam— عمل آوری با بخار کم فشار **(curing, atmospheric pressure steam)**
(رجوع به steam)

curing, mass—adiabatic curing in sealed containers.

عمل آوری توده ای - عمل آوری بی دررو در ظروف در بسته.

curing, membrane—a process that involves either liquid sealing compound (for example, bituminous and paraffinic emulsions, coal tar cut-backs, pigmented and non pigmented resin suspensions, or suspension of wax and drying oil) or nonliquid protective coating (for example sheet plastics or “waterproof” paper), both of which types function as a film to restrict evaporation of mixing water from concrete surfaces.

عمل آوری غشایی - فرایندی که یا شامل ترکیبات (آمیزه های) آب بند کننده مایع (مثلاً امولسیون های قیری و پارافینی، قطرانی ذغال سنگ، سیستم های تعلیقی رزینی رنگدانه دار و بدون رنگدانه، یا تعلیقی موم و روغن خشک شونده) یا پوشش محافظ غیر مایع (مثلاً ورقه های پلاستیکی یا کاغذ "ضد آب")، که هر دو آنها بعنوان لایه نازکی برای جلوگیری از تبخیر آب مخلوط از سطوح بتنی عمل می کنند.

curing, moist-air—curing in air of not less than 95% relative humidity at atmospheric pressure and normally at a temperature approximating 73 F (23 C).

عمل آوری در هوای مرطوب - عمل آوری در هوای حداقل ۹۵ درصد رطوبت نسبی در فشار جو و معمولاً در دمای تقریبی ۲۳ درجه سانتیگراد.

curing, single-stage—autoclave curing process in which precast concrete products are put on metal pallets for autoclaving and remain there until stacked for delivery or yard storage.

عمل آوری تک مرحله ای - فرایند عمل آوری با اتوکلاو که در آن محصولات بتنی پیش ساخته روی صفحه های فلزی اتوکلاو قرار میگیرند و تا زمان انباشته شدن برای تحویل یا ذخیره سازی در آنجا باقی میمانند.

curing, standard—exposure of test specimens to specified conditions of moisture and temperature. (See also **fog curing**.)

عمل آوری استاندارد - در معرض قرار گرفتن نمونه های آزمایشی در شرایط مشخصی از رطوبت و دما. (رجوع به **fog curing**)

curing, steam—curing of concrete, mortar, grout, or neat-cement paste in water vapor at atmospheric or higher pressures and at temperatures between about 100 and 420 F (40 and 215 C). (See also **atmospheric pressure steam curing, autoclave curing, single stage curing, and two-stage curing**.) **End P 23**

عمل آوری در بخار - عمل آوری بتن، ملات، روان ملات یا خمیر سیمان خالص در بخار آب در فشارهای جو یا زیادتر از آن و در دمای بین ۴۰ تا ۲۱۵ درجه سانتیگراد. **آخر صفحه ۲۳**

curing, two-stage—a process in which concrete products are cured in low-pressure steam, stacked, and then autoclaved.

عمل آوری دو مرحله ای - فرایندی که محصولات بتن در بخار کم فشار عمل آوری می شوند، سپس روی هم چیده شده و اتوکلاو می شوند.

curing agent— ماده عمل آوری (catalyst and hardener رجوع به)

curing blanket— روکش عمل آوری (پتویی) (blanket, curing رجوع به)

curing compound— آمیزه عمل آوری (compound, curing رجوع به)

curing cycle— چرخه عمل‌آوری (curing, autoclave and steam-curing cycle رجوع به)

curing delay— تاخیر عمل‌آوری (period, prestreaming (preferred term)

(رجوع به)

curing kiln— کوره عمل‌آوری (curing, autoclave رجوع به)

curing membrane— غشای عمل‌آوری (membrane curing and curing compound

(رجوع به)

curling—the distortion of an originally essentially linear or planar member into a curved shape, such as the warping of a slab to differences in temperature or moisture content in the zones adjacent to its opposite faces. (See also **warping**.)

پیچ خوردگی (تابیدگی) - تغییر شکل عضو اساساً خطی یا مسطح به شکل منحنی، مانند تاب برداشتن دال به دلیل تفاوت‌های دما یا رطوبت در مناطق مجاور وجوه مقابل آن. (رجوع به **warping**)

curtain grouting— روان ملات ریزی سراسری (grouting, curtain رجوع به)

curtain reinforcement— شبکه آرماتور بندی (مش) (reinforcement, curtain رجوع به)

به

curvature friction—friction resulting from bends or curves in the specified prestressing cable profile.

اصطکاک خمیدگی - اصطکاک ناشی از خم شدن یا انحنای در کابل پیش‌تنیدگی مشخص شده.

curve, grading—a graphical representation of the proportions of different particle sizes in a granular material; obtained by plotting the cumulative or individual percentages of the material passing through sieves in which the aperture sizes form a given series.

منحنی دانه‌بندی - نمایش ترسیمی از نسبت اندازه‌های مختلف ذرات دانه‌ای که با رسم درصد تجمعی یا تکی مواد عبوری از الک‌هایی که در آن اندازه چشمه‌ها، سری معینی را تشکیل می‌دهد، بدست می‌آید.

cutting screed— شمشه برشی (شمشه لبه چاقویی) (screed, cutting رجوع به)

به

cycle, autoclave— the time interval between the start of the temperature-rise period and the end of the blowdown period; also, a schedule of the time and temperature-pressure conditions of periods which make up the cycle.

چرخه اتوکلاو - فاصله زمانی بین شروع دوره افزایش دما و پایان دوره هوای گرم؛ همچنین، برنامه‌ای از زمان و شرایط دما-فشار دوره‌هایی که چرخه را تشکیل می‌دهند.

cyclopean concrete— **بتن لاشه‌سنگی** (concrete, cyclopean به رجوع به)

cylinder strength— **مقاومت استوانه‌ای** (strength, compressive and strength, splitting tensile به رجوع به)

cylinders, field-cured—test cylinders that are left at the jobsite for curing as nearly as practicable in the same manner as the concrete in the structure to indicate when supporting forms may be removed, additional construction loads may be imposed, or the structure may be placed in service.

استوانه‌های عمل‌آوری شده در کارگاه - استوانه‌های آزمایشی که برای عمل‌آوری در کارگاه باقی می‌مانند، به همان روشی که بتن در سازه نگهداری می‌شود تا نشان دهد که چه زمانی می‌توانند قالب‌های بتن برداشته شوند، بارهای اضافی ساختمانی می‌توانند اعمال شوند، یا سازه می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

damage, abrasion—wearing away of a surface by rubbing and friction. (See also **damage, cavitation** and **erosion**.)

آسیب سایشی - فرسوده شدن سطح در اثر مالش و اصطکاک. (رجوع به **damage, cavitation** and **erosion**)

damage, cavitation—pitting of concrete caused by implosion, that is, the collapse of vapor bubbles in flowing water which form in areas of low pressure and collapse as they enter areas of higher pressure. (See also **damage, abrasion**, and **erosion**.)

آسیب حفره‌زایی (خلأ زائی یا کاواک زائی) - حفره دار شدن بتن ناشی از ترکیدن، یعنی از بین رفتن حباب‌های بخار در آب جاری که در مناطق کم فشار تشکیل می‌شود و با ورود به مناطق پُرفشار فرو می‌ریزد. (رجوع به **damage, abrasion**, and **erosion**)

damp—either partial saturation or moderate covering of moisture; implies less wetness than that connoted by “wet” and slightly wetter than that connoted by “moist.” (See also **moist** and **wet**.)

نمناک - اشباع جزئی یا پوشش نسبتاً کم با رطوبت؛ به معنای رطوبت کمتری نسبت به "حالت خیس" و کمی با رطوبت بیشتر در حالت "مرطوب" است. (رجوع به **moist** and **wet**)

damp proofing—treatment of concrete or mortar to retard the passage or absorption of water, or water vapor, either by application of a suitable coating to exposed surfaces, by use of a suitable

admixture or treated cement, or by use of a preformed film such as polyethylene sheets placed on grade before placing a slab. (See also **vapor barrier**.)

عایق‌کاری رطوبتی (نم بندی) - بهسازی بتن یا ملات برای به تاخیر انداختن عبور یا جذب آب یا بخار آب، چه با استفاده از پوشش مناسب بر روی سطوح در معرض قرار گرفته، یا استفاده از افزودنی مناسب، یا بکاربردن سیمان مناسب، یا با استفاده از لایه نازک آه‌ماده شده مانند ورق‌های پلی اتیلن که قبل از بتن‌ریزی دال، روی لایه اساس قرار میگیرند.

darby—a hand-manipulated straightedge, usually 3 to 8 ft (1 to 2.5 m) long, used in the early stage leveling operations of concrete or plaster, preceding supplemental floating and finishing.

ماله دسته بلند (شمشه) - شمشه دسته بلند، معمولاً ۱ تا ۲٫۵ متر طول، که در مراحل اولیه عملیات تسطیح بتن یا اندود، قبل از ماله‌کشی و پرداخت تکمیلی استفاده می‌شود.

dash-bond coat— (رجوع به **coat, dash-bond**) اندود ماسه سیمان تگری

day—for concrete, a time period of 24 consecutive hours.

روز - در مورد بتن، یک دوره زمانی ۲۴ ساعت متوالی.

D-cracks—a series of cracks in concrete near and roughly parallel to joints, edges, and structural cracks.

ترک‌های لبه‌ای D - مجموعه‌ای از ترک‌ها در بتن نزدیک و تقریباً موازی با درزها، لبه‌ها و ترک‌های سازه‌ای.

dead end—in the stressing of a tendon from one end only, the end opposite that to which the load is applied.

گیره انتهایی - در وارد نمودن فشار به تاندون فقط از یک سر، انتهای مخالفی، که بار روی آن اعمال میشود.

dead-end anchorage— (رجوع به **anchorage, dead-end**) مهاري انتهایی

dead load— (رجوع به **load, dead**) بار مرده

deadman—an anchor for a guy line, usually a beam, block, or other heavy item buried in the ground, to which a line is attached.

مهارى مدفون - گیره‌ای برای مهار، معمولاً تیر، بلوک یا سایر وسایل سنگین که در زمین دفن شده و میله‌ای به آن متصل است.

debonding—procedures whereby specific tendons in pretensioned construction are prevented from becoming bonded to the concrete for a predetermined distance from the ends of flexural members.

جداسازی - روش‌هایی که به موجب آن در اجرای پیش کشیدگی، از پیوستن تاندون‌های خاص به بتن در فاصله از پیش تعیین شده از دو انتهای اعضای خمشی جلوگیری می‌شود.

decenter—to lower or remove centering or shoring.

باز کردن داربست قوس - پایین آوردن یا خارج نمودن داربست قوسی یا شمع بندی.

deck—the form on which concrete for a slab is placed, also the floor or roof slab itself. (See also **deck, bridge**.)

عرشه - قالبی که بتن دال، روی آن ریخته می‌شود، همچنین برای کف یا سقف خود دال. (رجوع به **deck, bridge**)

deck, bridge —the structural concrete slab or other structure that is supported on the bridge superstructure and serves as the roadway or other traveled surface.

عرشه پل - دال بتنی سازه‌ای یا سازه دیگری که بر روبنای پل تکیه می‌کند و بعنوان جاده یا سایر سطوح تردد عمل می‌کند.

decking—sheathing material for a deck or slab form.

پوشش سقف؛ پوشانه - مواد روکش برای قالب کف پل یا دال.

deflected tendons— (رجوع به **tendons, deflected**) تاندون‌های خیز یافته

deflection—movement of a point on a structure or structural element, usually measured as a linear displacement or as succession displacements transverse to a reference line or axis.

خیز (انحناء) - حرکت یک نقطه بر روی سازه یا عضو سازه‌ای که معمولاً بصورت جابجایی خطی یا جابجایی‌های متوالی عرضی نسبت به خط یا محور مرجع، اندازه گیری می‌شود.

deflection, dowel—deflection caused by the transverse load imposed on a dowel.

خیز میلگرد دوخت - انحراف ناشی از بار عرضی وارد شده به میلگرد دوخت.

deformation—a change in dimension or shape.

contraction; expansion; creep; length change; volume (رجوع به تغییر شکل - تغییر در ابعاد یا شکل).
(change; shrinkage; deformation, inelastic; and deformation, time-dependent)

deformation, anchorage—the loss of elongation or stress in the tendons of prestressed concrete due to the deformation or seating of the anchorage when the prestressing force is transferred from the jack to the anchorage; known also as anchorage loss.

تغییر شکل مهار - افت کشیدگی (افزایش طول) یا تنش در تاندون‌های بتن پیش‌تنیده بدلیل تغییر شکل یا فرونشست مهار هنگام انتقال نیروی پیش‌تنیدگی از جک به مهار؛ همچنین به عنوان افت مهار شناخته می‌شود.

deformation, elastic—elastic deformation proportional to the applied stress. (See also deformation.)

تغییر شکل کشسان (ارتجاعی) - تغییر شکل کشسان متناسب با تنش اعمال شده. **آخر صفحه ۲۴** (رجوع به **End P 24** (deformation

Deformation, inelastic—nonelastic deformation not proportional to the applied stress. (See also deformation; creep; deformation, time-dependent.)

تغییر شکل غیرارتجاعی - تغییر شکل غیرکشسان متناسب با تنش اعمال شده نمی‌باشد. (رجوع **deformation**).

deformation, nonreversible— (رجوع به **creep, nonrecoverable**) **تغییر شکل برگشت‌ناپذیر**

deformation, residual— (رجوع به **creep, nonrecoverable**) **تغییر شکل باقیمانده (پسماند)**
به

deformation, time-dependent—deformation resulting from effects such as autogenous volume change, thermal contraction or expansion, creep, shrinkage, and swelling, each of which is a function of time.

تغییر شکل وابسته به زمان - تغییر شکل ناشی از اثراتی مانند تغییر حجم خودزا، انقباض حرارتی یا انبساط حرارتی، خزش، جمع‌شدگی، و تورم، که هر کدام تابعی از زمان هستند.

deformed bar— (رجوع به **bar, deformed**) **میله‌گرد آجدار**

deformed plate— (رجوع به **plate, deformed**) **صفحه تغییر شکل یافته**

deformed reinforcement— (رجوع به **reinforcement, deformed**) **آرماتور آجدار**

deformed tie bar— میل مهار آجدار (رجوع به bar, tie)

degree-hour—a measure of strength gain of concrete as a function of the product of temperature multiplied by time for a specific interval. (See also **factor, maturity**.)

درجه-ساعت – سنجشی از افزایش مقاومت بتن به عنوان تابعی از حاصلضرب دما در زمان برای بازه زمانی خاص. (رجوع شود به factor, maturity).

dehydration—removal of chemically bound, adsorbed, or absorbed water from a material.

از دست دادن آب (آب زدائی) – خارج شدن آب جذب پیوند شیمیایی یا آب جذب سطحی یا آب جذب شده از ماده.

deicer—a chemical, such as sodium or calcium chloride, used to melt ice or snow on slabs and pavements, such melting being due to depression of the freezing point.

یخ زدا - ماده شیمیایی مانند کلرید سدیم یا کلسیم مورد استفاده برای ذوب یخ یا برف روی دال‌ها و روسازی‌ها، این ذوب بدلیل پایین رفتن نقطه انجماد است.

delamination—a separation along a plane parallel to a surface, as in the separation of a coating from a substrate or the layers of a coating from each other, or in the case of a concrete slab, a horizontal splitting, cracking, or separation within a slab in a plane roughly parallel to, and generally near, the upper surface; found most frequently in bridge decks and caused by the corrosion of reinforcing steel or freezing and thawing; similar to spalling, scaling, or peeling except that delamination affects large areas and can often only be detected by nondestructive tests, such as tapping or chain dragging.

لایه لایه شدن – جدا شدن در امتداد صفحه‌ای موازی با سطح، مانند جداشدگی پوشش از زیرکار یا لایه‌های پوششی از یکدیگر، یا برای دال بتنی، شکافتن افقی، ترک یا جدایی در داخل دال در یک صفحه تقریباً موازی و معمولاً نزدیک به سطح فوقانی؛ بیشتر در عرشه پل یافت میشود و در اثر خوردگی میلگردهای فولادی یا انجماد و ذوب ایجاد می‌شود؛ شبیه قلموکن شدن، پوسته پوسته شدن یا لایه برداری است، با این تفاوت که لایه لایه شدن نواحی وسیعی را تحت تأثیر قرار میدهد و اغلب تنها با آزمایش‌های غیرمخرب، مانند ضربه زدن یا زنجیر کشیدن قابل تشخیص است.

delay— تاخیر (رجوع به period, presteaming)

delivery hose— شلنگ انتقال (رجوع به hose, delivery)

demold—to remove molds from concrete test specimens or precast products. (See also **strip**.)

باز کردن قالب (قالب برداری) - برای برداشتن قالب‌ها از نمونه‌های آزمایشی بتن یا محصولات پیش‌ساخته. (رجوع به strip)

dense concrete— بتن متراکم (توپر) (concrete, dense)
(رجوع به)

dense-graded aggregate— سنگدانه‌ها با دانه‌بندی متراکم (aggregate, dense-graded)
(رجوع به)

density—mass per unit volume (preferred over deprecated term **unit weight**.)

چگالی - جرم در واحد حجم (ارجح به واحد وزن منسوخ شده).

density, bulk—the mass of a material (including solid particles and any contained water) per unit volume including impermeable and permeable voids in the material. (See also **specific gravity, absolute**.)

چگالی انبوهی - جرم یک ماده (شامل ذرات جامد و آب موجود) در واحد حجم شامل حفره‌های غیرقابل نفوذ و نفوذپذیر در ماده.

density, dry—the mass per unit volume of a dry substance at a stated temperature. (See also **specific gravity, absolute**.)

چگالی خشک - جرم در واحد حجم یک ماده خشک در دمای مشخص شده. (رجوع شود به **specific gravity, absolute**.)

density, dry-rodded—mass per unit volume of dry aggregate compacted by rodding under standardized conditions; used in measuring density of aggregate.

چگالی خشک میله کوبیده - جرم در واحد حجم سنگدانه خشک کوبیده شده با میله زدن در شرایط استاندارد؛ در اندازه گیری چگالی سنگدانه استفاده می شود.

density, fired—the density of refractory concrete, upon cooling, after having been exposed to a specified firing temperature for a specified time.

چگالی حرارت دیده (آتش دیده) - چگالی بتن نسوز، پس از سرد شدن و پس از قرار گرفتن در معرض دمای پخت معین برای مدت زمان معین.

density control—control of density of concrete in field construction to ensure that specified values as determined by standard tests are obtained.

کنترل چگالی - کنترل چگالی بتن در ساخت و ساز کارگاه برای اطمینان از بدست آوردن مقادیر تعیین شده در آزمایشات استاندارد.

depth, effective—depth of a beam or slab section measured from the compression face to the centroid of the tensile reinforcement.

عمق موثر - عمق تیر یا مقطع دال، اندازه گیری شده از سطح فشار تا مرکز آرماتور کششی.

design, elastic—a method of analysis in which the design of a member is based on a linear stress-strain relationship and corresponding limiting elastic properties of the material.

طراحی کشسان (ارتجاعی) - روشی برای تحلیل که در آن طراحی عضو براساس رابطه تنش-کرنش خطی و خواص کشسانی محدود کننده متناظر ماده است.

design, probabilistic—method of design of structures using the principles of statistics (probability) as a basis for evaluation of structural safety.

طراحی احتمالاتی (احتمال اندیشانه) - روش طراحی سازه‌ها با استفاده از اصول آمار (احتمال) برپایه ارزیابی ایمنی سازه.

design, working-stress—a method of proportioning either structures or members for prescribed service loads at stresses well below the ultimate, and assuming linear distribution of flexural stresses and strains. (See also **design, elastic**.)

طراحی به روش تنش مجاز - روشی برای تناسب سازه‌ها یا اعضا برای بارهای خدماتی تجویز شده در تنش‌های بسیار کمتر از حد نهایی، و با فرض توزیع خطی تنش‌ها و کرنش‌های خمشی. (رجوع شود به **design, elastic**)

design load— بار طراحی (load, design)
(رجوع به)

design strength— مقاومت طراحی (strength, design) (رجوع به)

deterioration— خرابی (وایشی)

1. physical manifestation of failure of a material (for example, cracking, delamination, flaking, pitting, scaling, spalling, and staining) caused by environmental or internal autogenous influences on rock and hardened concrete as well as other materials; or
۱. نمای فیزیکی گسیختگی ماده (مثلاً، ترک خوردگی، لایه لایه شدن، پوسته شدن، حفره شدن، پوسته شدگی، قله کن شدن، و لکه شدن) ناشی از تأثیرات خودزای محیطی یا داخلی بر سنگ و بتن سخت شده و همچنین سایر مواد؛ یا
2. decomposition of material during either testing or exposure to service. (See also **disintegration** and **weathering**.)
۲. از هم پاشیدگی مواد در طول آزمایش یا مواجه شدن با شرایط بهره برداری عملی. (رجوع به **disintegration** and **weathering**.)

detritus—loose material produced by the disintegration of rocks through geological agencies or processes simulating those of nature.

واریزه ها - مواد سست تولید شده در اثر از هم پاشیدگی سنگ ها از منظر موسسات زمین شناسی یا فرایندهای شبیه سازی طبیعت.

development bond stress —	تنش پیوستگی مهاری	(bond stress, anchorage)
(رجوع به		
development length —	طول مهاری	(length, development رجوع)
به طول م		
device, anchorage —	وسیله مهار	(anchorage (preferred term))
(رجوع به		
device, extension —any device, other than an adjustment screw, used to obtain vertical adjustment of shoring towers.		

وسیله تصحیح ارتفاع شمع - هر وسیله ای، غیر از پیچ تنظیم که برای بدست آوردن تنظیم قائم شمع های تکیه گاهی (نگهدارنده) استفاده میشود.

devil's float —	ماله خار(زائده) دار	(float, devil's رجوع به End P)
25 پایان ص ۲۵		
diagonal crack —	ترک مورب	(crack, diagonal رجوع به)
diagonal cracking —	ترک خوردگی مورب	(cracking, diagonal رجوع به)

diagonal tension— کشش مورب (رجوع به **tension, diagonal**)

diametral compression test— آزمایش فشار قطری (**splitting tensile test** رجوع به)

diamond mesh— شبکه لوزی (**mesh, diamond** رجوع به)

diatomaceous earth—a friable earthy material composed primarily of nearly pure hydrous amorphous silica (opal) in the form of frustules of the microscopic plants called diatoms.

خاک دیاتومه‌ای - ماده خاکی به صورت کلوخه سست که عمدتاً از سیلیس بی شکل (آمورف) آبدار تقریباً خالص (اوپال) به شکل میوه‌های کوچک (فستول‌های) گیاهان میکروسکوپی به نام دیاتوم‌ها تشکیل شده است.

differential thermal analysis (DTA)—indication of thermal reaction by differential thermocouple recording of temperature changes in a sample under investigation compared with those of a thermally passive control sample, that are heated uniformly and simultaneously.

تحلیل حرارتی افتراقی (DTA) - نشانه واکنش حرارتی با ثبت تعاملات از طریق ترموکوپل افتراقی تغییرات دما در نمونه تحت بررسی در مقایسه با تغییرات دما در نمونه‌های کنترل غیرفعال حرارتی که بطور یکنواخت و همزمان حرارت داده می‌شوند.

diffusivity, thermal—thermal conductivity divided by the product of specific heat and density; an index of the facility with which a material undergoes temperature change.

انتشار حرارتی- قابلیت هدایت (رسانایی) حرارتی تقسیم بر حاصلضرب گرمای ویژه و چگالی؛ شاخصی از سهولتی که ماده با آن دچار تغییر دما می‌شود.

dilation—an expansion of concrete during cooling or freezing generally calculated as the maximum deviation from the normal thermal contraction predicted from the length change-temperature curve or length change-time curve established at temperatures before initial freezing.

انبساط - انبساط بتن در حین سرد شدن یا انجماد که عموماً بعنوان حداکثر انحراف از جمع شدگی حرارتی نرمال پیش‌بینی شده از منحنی تغییر طول - دما یا منحنی تغییر طول - زمان بدست آمده در دماهای قبل از انجماد اولیه محاسبه می‌شود.

diluent—a substance, liquid or solid, mixed with the active constituents of a formulation to increase the bulk or lower the concentration.

رقیق کننده - ماده ای مایع یا جامد که با ترکیبات فعال فرمول‌بندی مخلوط می‌شود تا حجم آن افزایش یابد یا غلظت آن کاهش یابد.

direct dumping—discharge of concrete directly into place from crane bucket or mixer.

تخلیه مستقیم - تخلیه بتن بطور مستقیم از سطل جرثقیل یا از مخلوط کن.

discoloration—departure of color from that which is normal or desired.

تغییر رنگ (رنگ پریدگی) - انحراف رنگ از چیزی که طبیعی یا دلخواه است.

disintegration—reduction into small fragments and subsequently into particles. (See also **deterioration** and **weathering**.)

از هم پاشیدگی - کاهش به قطعات کوچک و متعاقباً به ذرات. (رجوع شود به **(deterioration and weathering)**.)

dispersant—a material that deflocculates or disperses finely ground materials by satisfying the surface energy requirements of the particles; used as a slurry thinner or grinding aid.

پراکنده ساز (افزودنی پراکنده ساز) - ماده‌ای که مواد ریز آسیاب شده را با برآوردن نیاز انرژی سطحی ذرات جدا میکند یا پراکنده می‌کند؛ بعنوان رقیق کننده روان ملات یا مواد کمکی در آسیاب نمودن استفاده میشود.

dispersant agent—an agent capable of increasing the fluidity of pastes, mortars, or concretes by reduction of inter-particle attraction.

عامل پراکنده ساز - عاملی که میتواند سیالیت خمیرها، ملات‌ها یا بتن‌ها را با کاهش جاذبه بین ذرات افزایش دهد.

displacement, positive— جابجایی مثبت (positive displacement رجوع شود به)

distortion— اعوجاج (تغییر از شکل اصلی) (deformation رجوع شود به)

distress—physical manifestation of cracking and distortion in a concrete structure as the result of stress, chemical action, or both.

اضمحلال - نمایش فیزیکی ترک خوردن و اعوجاج (تحریف) در سازه بتنی در نتیجه تنش، کنش شیمیایی یا هر دو.

distribution-bar reinforcement— میلگرد توزیع (reinforcement, distribution-bar رجوع به)

divider strips— نوار جدا کننده (strips, divider رجوع شود به)

D-line cracks—

ترک موازی لبه (خط ترک)

(D-cracks (preferred

(رجوع شود به term)

documents, contract—documents comprising aspects of the required work and the results and products thereof, including plans, specifications, and project drawings. **(D)**

اسناد قرارداد (پیمان) - اسنادی که شامل جنبه‌هایی از کار مورد نیاز و نتایج و فرآورده‌های آن، از جمله طرح‌ها، مشخصات و نقشه‌های پروژه است.

dolomite—a mineral having a specific crystal structure and consisting of calcium carbonate and magnesium carbonate in equivalent chemical amounts which are 54.27 and 45.73% by mass, respectively; a rock containing dolomite as the principal constituent.

دولومیت - کانی با ساختار بلوری مشخص و متشکل از کربنات کلسیم و کربنات منیزیم در مقادیر شیمیایی معادل که به ترتیب ۵۴/۲۷ و ۴۵/۷۳ درصد جرمی هستند. سنگی حاوی دولومیت بعنوان ماده اصلی.

dolomite, hard-burned—the product of heating dolomitic rock at temperatures high enough to change the magnesium carbonate to magnesium oxide, a constituent that slowly expands on reaction with water.

دولومیت زیاد پخته شده - محصول حرارت دادن سنگ دولومیتی در دمای آنقدر زیاد که کربنات منیزیم را به اکسید منیزیم تبدیل کند، ماده‌ای که در واکنش با آب به آرامی منبسط می‌شود.

dome—square prefabricated pan form used in two-way (waffle) concrete joist floor construction.

گنبد - تاوله پیش ساخته به شکل مربع بعنوان کف تیرچه بتنی دو طرفه (وافل) استفاده می‌شود.

double-headed nail—a nail with two heads at, or near, one end to permit easy removal; widely used in concrete formwork.

میخ دو سر - میخی با دو سر در یک انتها یا نزدیک به آن که امکان خارج نمودن آسان را فراهم می‌کند. بطور گسترده در قالب‌بندی بتن استفاده می‌شود.

double-tee beam—

تیرسپری دوقلو

(beam, double-tee رجوع شود به)

double-up—a method of plastering characterized by application in successive operations with no setting or drying time between coats.

اندود چند لایه پیایی - روشی برای اندود کاری که مشخصه آن کاربرد در عملیات متوالی بدون گیرش یا زمان خشک شدن بین لایه‌ها می‌باشد.

doughnut (donut)—a large washer of any shape for increasing bearing area of bolts and ties; also a round concrete spacer with a hole in the center to hold bars the desired distance from the forms.

واشر پوشش (کلاف بتنی ستون) - واشر بزرگ به هر شکل برای افزایش سطح تحمل بار حاوی پیچ و مهره‌ها؛ همچنین فاصله نگاهداری حلقوی بتنی با سوراخی در مرکز برای نگهداشتن میله‌ها در فاصله دلخواه از قالب‌ها.

dowel— میلگرد دوخت

1. a steel pin, commonly a plain or coated round steel bar that extends into adjoining portions of a concrete construction, as at an expansion or contraction joint in a pavement slab, so as to transfer shear loads; or

۱. میله فولادی، معمولاً یک میلگرد فولادی ساده یا روکش‌دار که به قسمت‌های مجاور سازه بتنی، مانند درز انبساطی یا انقباضی در دال روسازی، گسترش می‌یابد تا بارهای برشی را منتقل کند. یا

2. a deformed reinforcing bar intended to transmit tension, compression, or shear through a construction joint.

۲. میلگرد آجدار که برای انتقال کشش، فشار یا برش از میان درز اجرایی طراحی شده است.

dowel-bar reinforcement— میلگرد دوخت تقویتی (dowel

(رجوع شود به

dowel deflection— میلگرد دوخت تغییر شکل یافته (deflection, dowel

(رجوع شود به

dowel lubricant— ماده روغن کاری میلگرد دوخت (lubricant, dowel

(رجوع شود به

dowel rod— میلگرد انتظار (rod, dowel

(رجوع شود به

drainage—the interception and removal of water from, on, or under an area or roadway; the process of removing surplus ground water or surface water artificially; a general term for gravity flow of liquids in conduits.

زهکشی - هدایت و خارج نمودن آب از، روی یا زیر یک سطح یا جاده؛ فرآیند حذف مصنوعی آبهای اضافی زیرزمینی یا سطحی؛ اصطلاح کلی برای جریان گرانشی مایعات در مجراها.

drainage fill—

پر کننده زهکش

1. base course of granular material placed between floor slab and sub-grade to impede capillary rise of moisture; or

۱. لایه اساس مواد دانه‌ای که بین دال کف و زیراساس قرار می‌گیرد تا مانع از بالا آمدن رطوبت مویرگی شود. یا

2. lightweight concrete placed on floors or roofs to promote drainage.

2. بتن سبکی که روی کف یا پشت بام ریخته می‌شود تا زهکشی را تقویت کند.

draped tendons—

تاندون های پوشانده شده

(رجوع به **tendons, deflected**)

dried strength—

مقاومت خشک

(رجوع به **strength, dried**)

drier—chemical that promotes oxidation or drying of a paint or adhesive.

خشک کن - ماده شیمیایی که باعث اکسید شدن یا خشک شدن رنگ یا چسب میشود.

drilled pier—

شمع حفاری شده

(رجوع به **pier, drilled**)

پایان ص ۲۶

End P 26

drip—a transverse groove in the underside of a projecting piece of wood, stone, or concrete to prevent water from flowing back to a wall.

آب چکان - شیار عرضی در قسمت زیرین یک قطعه چوب، سنگ یا بتن بیرون زده که برای جلوگیری از چکه آب به زیر کار گذاشته شده بودند.

dropchute—a device used to confine or to direct the flow of a falling stream of fresh concrete.

ناوه سقوطی یا قائم - وسیله ای است که برای محدود کردن یا هدایت جریان آب در حال سقوط از روی بتن تازه.

1. *dropchute, articulated*—a device consisting of a succession of tapered metal cylinders so designed that the lower end of each cylinder fits into the upper end of the one below; or

۱. ناه سقوطی چند تکه - وسیله ای متشکل از توالی استوانه های فلزی مخروطی به گونه ای که انتهای پایینی (مخروطی)

هر استوانه در انتهای بالایی سیلندر زیر قرار می گیرد. یا

2. *dropchute, flexible*—a device consisting of a heavy rubberized canvas or plastic collapsible tube.

۲. ناه سقوطی، انعطاف پذیر - وسیله ای متشکل از پارچه کرباسی کلفت پوشیده با مواد لاستیکی یا لوله پلاستیکی ناشو.